

احمد و عقیده به تناسخ و حلول روح در اجساد مختلف

تناسخ یعنی حلول یک روح در جسمی غیر از جسم متعلق به خود. اعم از انسان یا حیوان یا نباتات، که این اعتقاد موافق با اعتقاد مسیحیت و یهود تحریف شده و ... می باشد و طبق اسلام و مکتب اهل بیت داشتن چنین اعتقادی کفر می باشد.

تناسخ به چهار گونه است: «نسخ»، «مسخ»، «فسخ» و «رسخ». زمانی که روح از تن آدمی بیرون رود، چنانچه در تن آدمی دیگر وارد شود آن را «نسخ» گویند؛ و اگر در تن جانوران وارد شود آن را «مسخ» گویند؛ و اگر در حشرات زمین و گزندگان وارد شود آن را «فسخ» گویند؛ و اگر در درختان و نباتات حلول کند، آن را «رسخ» گویند.

یکی دیگر از اعتقادات کفر آمیز احمد بصری اعتقاد به تناسخ و حلول روح در اجساد مختلف می باشد، وی مدعی شده است چندین بار به این جهان آمده است و از دنیا رفته و هر بار روحش در کالبد و جسم انسان دیگر یا حیوان دیگر به این دنیا بازگشته است.

یکی از این موارد و ادعاهای احمد این است که ایشان مدعی شده است حضرت خضر در روایات خود وی می باشد.

حضرت خضر در روایات

قبل از اینکه بخواهیم ادعای احمد را بیان کنیم جائگاه حضرت خضر را در روایات بررسی می کنیم و با توجه به این روایات کفر احمد بصری را از عقیده به تناسخ ثابت نمایم.

اسم و نسب حضرت خضر

در روایات آمده است که حضرت خضر از نسل حضرت نوح می باشد چنانچه در روایتی از لسان امام رضا (ع) چنین آمده است:

٦ - حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق رضي الله عنه قال : أخبرنا أحمد بن محمد الهمداني قال : حدثنا علي بن الحسن بن علي بن فضال ، عن أبيه ، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليهما السلام قال :... وكان اسم الخضر (١) خضرويه بن قابيل بن آدم عليه السلام ، ويقال له : خضرون أيضا ويقال له : جعدا ، وإنه إنما سمي الخضر لأنه جلس علي أرض بيضاء فاهتزت خضراء فسمي الخضر لذلك وهو أطول الأدميين عمرا ، والصحيح أن اسمه بليا (٢) بن ملكان بن عامر بن أرفخشذ بن سام بن - نوح (١) وقد أخرجت الخبر في ذلك مسندا في كتاب " علل الشرائع والاحكام والأسباب "

٦ - امام رضا عليه السلام فرمود :... و نام خضر ، خضرويه فرزند قابيل فرزند آدم عليه السلام است و بدو خضرون و جعدا نیز میگویند و او را خضر نامند زیرا بر زمین سپیدی نشست و آن زمین خضر و خرم گردید و بدین سبب او را خضر نامیدند و عمر او از همه آدمیزادگان طولانیتر است . و صحیح آن است که نام او بلیا]
تالییا خل] فرزند ملکآن فرزند عامر فرزند ارفخشذ فرزند سام فرزند نوح است و من خبر آن را با سند در کتاب
علل الشرائع آورده ام .

ترجمه کمال الدین و تمام النعمه - الشيخ الصدوق ج ٢ ص ٩١

خضر عبد صالح همراه حضرت موسی

طبق روایات حضرت خضر قبل از حضرت موسی به دنیا آمد و در زمان آن حضرت حیات داشته است، چنانچه شیخ صدوق از امام سجاد (ع) چنین نقل کرده است:

۸۳ - حدثنا أبي رضي الله عنه قال : حدثنا سعد بن عبد الله ، عن القاسم بن محمد الأصبهاني ، عن سليمان بن داود المنقري عن سفيان بن عيينة ، عن الزهري ، عن علي بن الحسين عليهما السلام قال : كان آخر ما أوصي به الخضر موسى بن عمران عليهما السلام أن قال له : لا تعيرن أحدا بذنب ، وإن أحب الأمور إلي الله عز وجل ثلاثة : القصد في الجدة (١) والعفو في المقدرة ، والرفق بعباد الله ، وما رفق أحد بأحد في الدنيا إلا رفق الله عز وجل به يوم القيامة ورأس الحكمة مخافة الله تبارك وتعالى .

۸۳ - امام زين العابدين (ع) فرمود : آخرین سفارشی که خضر بموسی بن عمران کرد این بود که او را گفت : حتما هیچ کس را بگناهی سرزنش مکن و راستی که محبوبترین کار نزد خداوند سه چیز است میانہ روی در حال توانگری ، گذشت در حال قدرت ، مدارا با بندگان خدا ، و هیچ کس با کسی در دنیا مدارا نکند مگر آنکه خدای عز و جل در روز قیامت با او بمدارا رفتار کند و سر آمد حکمت ترس از خدای تبارک و تعالی است

الخصال الشيخ الصدوق ج ١ ص ١١١

حیات حضرت خضر تا نفخ صور

در روایتی دیگر تصریح شده است که حضرت خضر هم اکنون زنده می باشد و تا نفخ صور زنده می باشد، چنانچه در روایتی از لسان مبارک امام رضا (ع) چنین آمده است:

٤ - حدثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوي العمري السمرقندي رضي الله عنه قال : حدثنا جعفر بن محمد بن مسعود ، عن أبيه محمد بن مسعود ، عن جعفر بن أحمد ، عن الحسن بن علي بن فضال قال : سمعت ؟ أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليهما السلام يقول : إن الخضر عليه السلام شرب من ماء الحياة فهو حي لا يموت حتي ينفخ في الصور ، وأنه ليأتينا (٣) فيسلم فنسمع صوته ولا نري شخصه ، وإنه ليحضر حيث ما ذكر ، فمن ذكره منكم فليسلم عليه ، وإنه ليحضر الموسم كل سنة فيقضي جميع المناسك ، ويقف بعرفة فيؤمن علي دعاء المؤمنين ، وسيؤنس الله به وحشة قائمنا في غيبته ويصل به وحدته .

کمال الدین و تمام النعمة - الشيخ الصدوق - ص ۳۹۰

۴ - حسن بن علي بن فضال گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: خضر علیه السلام از آب حیات

نوشید و او زنده است و تا نَفخ صور نخواهد مرد و او نزد ما میآید و سلام میکند و آوازش را میشنویم اما

شخصش را نمیبینیم و او هر جا که یاد شود حاضر میشود و هر که او را یاد کند بایستی بر او سلام کند و او

همه ساله در موسم حج حاضر میشود و همهء مناسک را به جا میآورد و در بیابان عرفه وقوف میکند و بر دعای

مؤمنین آمین میگوید و خداوند بواسطهء او تنهائی قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل کند و غربت و

تنهائیش را با وصلت او مرتفع سازد .

در روایتی دیگر امام تصریح فرمودند که حضرت خضر هنگام شهادت پیامبر (ص) برای عرض تسلیت خدمت

امیرالمومنین (ع) رسیدند، چنانچه شیخ صدوق این روایت را چنین نقل میکند:

۵ - وبهذا الاسناد قال : قال أبو الحسن علي بن موسى الرضا عليهما السلام لما قبض رسول الله صلي الله عليه

وآله جاء الخضر عليه السلام فوقف علي باب البيت وفيه علي وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام ورسول

الله صلي الله عليه وآله قد سجي بثوبه فقال : السلام عليكم يا أهل بيت محمد " كل نفس ذائقة الموت وإنما

توفون أجوركم يوم القيمة " ، إن في الله خلفا من كل هالك ، وعزاء من كل مصيبة ، ودركا من كل فائت ،

فتوكلوا عليه ، وثقوا به ، و أستغفر الله لي ولكم فقال أمير المؤمنين عليه السلام : هذا أخي الخضر عليه السلام

جاء يعزيكم بنبيكم صلي الله عليه وآله .

۵ - و باز حسن بن علي بن فضال گوید : امام رضا علیه السلام فرمود : چون رسول - خدا صلی الله علیه و آله

و سلم رحلت فرمود خضر آمد و بر در خانه‌ای که علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام در آن بودند و

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا در کفن بود ایستاد و گفت : السلام عليكم يا أهل بيت محمد !

هر نفسی مرگ را میچشد و شما پاداش خود را در روز قیامت دریافت خواهید کرد ، خدا را برای هر از دست

رفته‌ای جانشینی است و برای هر مصیبتی تسلیتی است و برای هر فوتشده‌ای جبرانی است ، پس بر او توکل

کنید و به او اعتماد نمائید و از برای خود و شما از خدای تعالی استغفار میکنم . امیر المؤمنین علیه السلام

فرمود : این برادرم خضر است که برای تسلیت پیامبرتان آمده است .

نتیجه گیری: طبق این روایات ثابت می شود که حضرت خضر از نسل حضرت نوح و از زمان حضرت موسی تا نفخ صور زنده می باشد و ایشان همان عبدالصالح در زمان حضرت موسی بوده اند.

حضرت خضر احمد بصري است

احمد بصري مدعي شده است که وي قائم آل محمد مي باشد و ایشان همان حضرت خضر در روایات است، چنانچه وي در یکی از کتب چنین مدعي شده است:

در بعضي از روایات او را به خضر معرفي کرده اند بدون اینکه متوجه شوند خضر (سبز) یک صفت است نه یک اسم و ممکن است این صفت بر چندین شخصیت الهی اتلاق شود به اعتبار اینکه آنها از سرزمینهای پشت سرشان را از دین الهی سرسبز می کنند. زیرا آنها دین را بست و نشر میدهند و رنگ سبز اشاره به دین دارد (خضر در زبان عربي يعني سبز)...در حقیقت عبد صالح همان قائم آل محمد است

سفر حضرت موسی به مجمع البحرين، احمد بصري، ص ۶۱

طبق روایات حضرت خضر قبل از زمان حضرت موسی به دنیا آمده است که احمد مدعي می شود این حضرت خضر خود وي می باشد و در همین راستا ادعا میکند که در حقیقت وقت آمدن احمد (حضرت خضر) به این دنیا در زمان حضرت موسی نبود ولي وقتي که براي تعليم حضرت موسی به این دنیا آمد دیگر در این دنیا ماندگار شد

حقیقت امر این که در زمان وجود آمدن عبد صالح فرا نرسیده وليکن وقتي که براي تعليم حضرت موسی به این عالم جسماني نازل شد و با حضرت موسی جمع شد او بر حضرت موسی حجت شد

سفر حضرت موسی به مجمع البحرين احمد بصري ص ۵۹

نتیجه گیری: طبق ادعای احمد بصری وی همان حضرت خضر می باشد که در روایات تصریح شده است وی از زمان حضرت موسی تا اکنون زنده می باشد

احمد و ناقه صالح

در ادامه ادعای تناسخ احمد بصری وی ادعای جالب دیگری را مطرح کرده است. احمد مدعی شده است که ایشان همان ناقه صالح می باشد و جالب بر این است که حضرت خضر از نظر زمانی اولی می باشد بر حضرت صالح زیرا جناب قطب راوندی تصریح میکند که: مشهور آن است که صالح پسر عبید پسر اسف پسر ماشخ پسر عبید پسر حاذر پسر ثمود پسر عاثر پسر ارم پسر سام و ایشان پسر حضرت نوح بود، پس حضرت نوح جد دهم حضرت صالح است در حالی که حضرت نوح جد پنجم حضرت خضر می باشد.

احمد بصری در کتاب "بیان الحق و السداد، ج ۲، ص ۵۰" با تمسک به شباهتهای عددی ابجد، مدعی میشود او همان ناقه ی صالح است

من هو ناقه صالح= ۵۳ هو العبد الصالح= ۵۳

بیان حق و سداد از طریق علم اعداد ج ۱-۲ ص ۵۳

آنچه که در قرآن و روایات آمده است ثابت می شود که شتر حضرت صالح ماده و مونث بوده است و خداوند از واژه ناقه استفاده کرده است که این واژه در لغت به معنی شتر ماده است و از آنجایی که احمد ادعا کرده شتر حضرت صالح بوده پس وی ماده و مونث بوده است

احمد بصری ماده شتری بود که ده ماهه آبستن بود و زایمان کرد که اندازه اش یک میل بود

در روایات برای این شتر مشخصاتی بیان شده است که خلاصه این مشخصات به شرح ذیل می باشد:

۱- احمد بصری ماده بوده

۲- آبستن بوده

۳- زایمان کرده است

۴- پر از کرک و پشم بوده

۵- یک میل، یک کیلومتر و نیم پهنا داشته

چنانچه در دو روایتی که مرحوم کلینی آن را از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بیان کرده است تصریح شده است که قوم حضرت صالح از حضرت به عنوان معجزه درخواست بیرون آمدن ماده شتری را از کوه کردند که قرمز رنگ و دارای کرک زیاد و ده ماهه آبستن باشد و اندازه او یک میل باشد که در اندازه یک میل تقریباً بیش از یک کیلومتر و نیم می باشد

۲۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَا مَعْشَرَ قَوْمِ صَالِحٍ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ صَالِحاً بَعَثَ إِلَيَّ قَوْمَهُ وَهُوَ ابْنُ سِتِّ عَشْرَةَ سَنَةً فَلَبِثَ فِيهِمْ حَتَّى بَلَغَ عَشْرِينَ وَمِائَةً سَنَةً لَا يُجِيبُونَهُ إِلَيَّ خَيْرٌ قَالَ وَكَانَ لَهُمْ سَبْعُونَ صَنماً يُعْبُدُونَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ مِنْهُمْ قَالَ يَا قَوْمِ بَعِثُوا إِلَيَّ قَوْمَهُمْ وَأَنَا ابْنُ سِتِّ عَشْرَةَ سَنَةً وَقَدْ بَلَغْتُ عَشْرِينَ وَمِائَةً سَنَةً وَأَنَا أَعْرِضُ عَلَيْكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ شِئْتُمْ فَاسْأَلُونِي حَتَّى أَسْأَلَ إِلَهِي فَيَجِيبَكُمْ فِيمَا سَأَلْتُمُونِي السَّاعَةَ وَإِنْ شِئْتُمْ سَأَلْتُ إِلَهْتَكُمْ فَإِنْ أَجَابْتَنِي بِالَّذِي أَسْأَلُهَا خَرَجْتُ عَنْكُمْ فَقَدْ سَمِعْتُمْكَمْ وَسَمِعْتُمُونِي (۲) قَالُوا قَدْ أَنْصَفْتَ يَا صَالِحُ فَاتَّعَدُوا لِيَوْمٍ يَخْرُجُونَ فِيهِ قَالَ فَخَرَجُوا بِأَضْئَانِهِمْ إِلَيَّ ظَهَرِهِمْ (۳) ثُمَّ قَرَّبُوا طَعَامَهُمْ وَشَرَابَهُمْ فَأَكَلُوا وَشَرَبُوا فَلَمَّا أَنْ فَرَعُوا دَعَوْهُ فَقَالُوا يَا صَالِحُ سَلْ فَكَانَ لِكَبِيرِهِمْ (۴) مَا اسْمُ هَذَا قَالُوا فَلَانَ فَقَالَ لَهُ صَالِحُ يَا فَلَانُ أَجِبْ فَلَمْ يَجِبْهُ فَقَالَ صَالِحُ مَا لَهُ لَا يُجِيبُ قَالُوا ادْعُ غَيْرَهُ قَالَ فَدَعَاهَا كُلُّهَا بِأَسْمَائِهَا فَلَمْ يَجِبْهُ مِنْهَا شَيْءٌ فَأَقْبَلُوا عَلَيَّ أَضْئَانِهِمْ فَقَالُوا لَهَا مَا لَكَ لَا تُجِيبِينَ (۵) صَالِحاً فَلَمْ تُجِبْ فَقَالُوا تَنَحَّ عَنَّا وَدَعْنَا وَإِلَهَتِنَا سَاعَةً ثُمَّ نَحْنُوا بُسْطَهُمْ وَفَرَشَهُمْ وَنَحْنُوا ثِيَابَهُمْ وَتَمَرَعُوا عَلَيَّ الثَّرَابِ (۶) وَطَرَحُوا الثَّرَابَ عَلَيَّ رُؤُوسِهِمْ وَقَالُوا لِأَضْئَانِهِمْ لَيْنَ لَمْ تُجِبْنِي صَالِحاً الْيَوْمَ لَتُفْضَخَنَّ قَالَ ثُمَّ دَعَوْهُ فَقَالُوا يَا صَالِحُ ادْعُهَا فَدَعَاَهَا فَلَمْ تُجِبْهُ فَقَالَ لَهُمْ يَا قَوْمِ قَدْ ذَهَبَ صَدْرُ النَّهَارِ

وَلَا أَرَى إِلَهَكُمْ تَجِيبُونِي فَاَسْأَلُونِي حَتَّىٰ اَدْعُو إِلَهِي فَيَجِيبُكُمْ السَّاعَةَ فَاَنْتَدَبَ لَهُ (١) مِنْهُمْ سَبْعُونَ رَجُلًا مِنْ كِبَرائِهِمْ وَالْمَنْظُورِ إِلَيْهِمْ مِنْهُمْ فَقَالُوا يَا صَالِحُ نَحْنُ نَسْأَلُكَ فَإِنْ أَجَابَكَ رَبُّكَ اتَّبَعْنَاكَ وَابْتِغَيْنَاكَ وَيُبَايِعُكَ جَمِيعُ أَهْلِ قَرْيَتِنَا فَقَالَ لَهُمْ صَالِحُ عِ سَلُونِي مَا سَأَلْتُمْ فَقَالُوا تَقَدَّمْ بِنَا إِلَيَّ هَذَا الْجَبَلِ وَكَانَ الْجَبَلُ قَرِيبًا مِنْهُمْ فَاَنْطَلَقَ مَعَهُمْ صَالِحُ فَلَمَّا انْتَهَوْا إِلَيَّ الْجَبَلِ قَالُوا يَا صَالِحُ اذْعُ لَنَا رَبُّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِنْ هَذَا الْجَبَلِ السَّاعَةَ نَاقَةً حَمْرَاءَ شَفْرَاءَ وَبُرَاءَ عَشْرَاءَ (٢) بَيْنَ جَنْبَيْهَا مِيلٌ فَقَالَ لَهُمْ صَالِحُ لَقَدْ سَأَلْتُمُونِي شَيْئًا يَعْظُمُ عَلَيَّ وَيَهُونُ عَلَيَّ رَبِّي جَلٌّ وَعِزٌّ قَالَ فَسَأَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ صَالِحُ ذَلِكَ فَاَنْصَدَعَ الْجَبَلُ صَدْعًا (٣) كَادَتْ تَطِيرُ مِنْهُ عُقُولُهُمْ لَمَّا سَمِعُوا ذَلِكَ ثُمَّ اضْطَرَبَ ذَلِكَ الْجَبَلُ اضْطِرَابًا شَدِيدًا كَالْمَرْأَةِ إِذَا أَحْذَاهَا الْمَخَاضُ ثُمَّ لَمْ يَفْجَأْهُمْ إِلَّا رَأْسُهَا (٤) قَدْ طَلَعَ عَلَيْهِمْ مِنْ ذَلِكَ الصَّدْعِ فَمَا اسْتَيْمَّتْ رَقَبَتُهَا حَتَّىٰ اجْتَرَّتْ (٥) ثُمَّ خَرَجَ سَائِرُ جَسَدِهَا ثُمَّ اسْتَوَتْ قَائِمَةً عَلَيَّ الْأَرْضِ فَلَمَّا رَأَوْا ذَلِكَ قَالُوا يَا صَالِحُ مَا أَسْرَعَ مَا أَجَابَكَ رَبُّكَ اذْعُ لَنَا رَبُّكَ يُخْرِجْ لَنَا فَصِيلَهَا (٦) فَسَأَلَ اللَّهُ عِزٌّ وَجَلٌّ ذَلِكَ فَرَمَتْ بِهِ فَدَبَتْ حَوْلَهَا فَقَالَ لَهُمْ يَا قَوْمِ أَبْقِي شَيْءٌ قَالُوا لَا اَنْطَلِقُ بِنَا إِلَيَّ قَوْمِنَا نُخْبِرُهُمْ بِمَا رَأَيْنَا وَيُؤْمِنُونَ بِكَ قَالَ فَارْجِعُوا فَلَمْ يَبْلُغِ السَّبْعُونَ إِلَيْهِمْ حَتَّىٰ اَزْتَدَّ مِنْهُمْ أَرْبَعَةٌ وَسِتُّونَ رَجُلًا وَقَالُوا سِحْرٌ وَكَذِبٌ قَالُوا فَاَنْتَهُوا إِلَيَّ الْجَمِيعِ (٧) فَقَالَ السُّنَّةُ حَقٌّ وَقَالَ الْجَمِيعُ كَذِبٌ وَسِحْرٌ قَالَ فَاَنْصَرَفُوا عَلَيَّ ذَلِكَ ثُمَّ اَرْتَابَ مِنَ السُّنَّةِ وَاحِدٌ فَكَانَ فَيَمَنُ عَقْرَهَا قَالَ ابْنُ مَحْبُوبٍ فَحَدَّثْتُ بِهَذَا الْحَدِيثِ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا يُقَالُ لَهُ سَعِيدُ بْنُ يَزِيدَ فَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ رَأَى الْجَبَلَ الَّذِي خَرَجَتْ مِنْهُ بِالسَّامِ قَالَ فَرَأَيْتُ جَنْبَهَا قَدْ حَكَ الْجَبَلُ فَأَنْزَرَ جَنْبَهَا فِيهِ وَجَبَلَ آخَرَ (١) بَيْنَهُ وَبَيْنَ هَذَا مِيلٌ

ترجمه روضه كافي ص ٤٠٧ ح ٢١٣-٢١٤

امام باقر فرمود:...حضرت صالح فرمود: هر چه می خواهید درخواست نماید، کوهی نزدیک آنان بود گفتند: ما را کنار این کوه ببر صالح با آنان کنار کوه رفت، گفتند: ای صالح از پروردگارت بخواه از این کوه همین الان شتر ماده که رنگ قرمز و دارای کرک زیاد و ده ماهه آبستن باشد با عرض یک میل بیرون آورد، فرمود: از من درخواستی کردید که بر من سنگین ولی برای پروردگارم آسان است، پس صالح علیه السلام از خداوند درخواست نمود و ناگهان کوه شکافته شد و صدایی از آن شنیده شد که نزدیک بود دیوانه شوند، آنگاه لرزه

سختی بر کوه عارض شد مانند زنی که درد زایمان بر او عارض شده ناگهان نخست سر آن از کوه بیرون آمد و با آن مواجه شدند هنوز گردن آن به تمام ظاهر نشده بود که شروع به نشخوار کرد سپس بقیه بدنش بیرون آمد و بر زمین استوار ایستاد

وقتی چنین دیدند گفتند : ای صالح چه زود پروردگارت تو را اجابت کرد اکنون از پروردگارت بخواه بچه آن را نیز بیرون آورد. حضرت صالح علیه السلام از خدا خواست، پس آن شتر ماده بچه را بیرون انداخت... سعید گفت: آن کوهی را که آن شتر از آن بیرون آمده در سرزمین شام دیده است سعید گفت دو کوه را دیدیم که یک میل میان آنها فاصله بود و ماده شتر از یکی از آنها بیرون آمده بود و پهلوی شتر هر دو کوه را ساییده بود که اثر آن پیدا بود

در روایتی بعدی مرحوم کلینی از امام صادق علیه السلام هم به همین مضمون روایت کرده است: ...گفتند هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر از این کوه سخت ماده شتری که ده ماهه آبستن است باشد برای ما بیرون آوری... پس به صالح گفتند: اگر تو گمان می کنی پیامبری از خدایت بخواه از این کوه سخت ماده شتری ده ماهه آبستن برای ما بیرون آورد، خداوند آن را با همان صفاتی که خواسته بودند بیرون آورد

احمد بصری شیرده بوده است

در روایات وارد شده است که خداوند چشمه ای را برای حضرت صالح به وجود آورد و طبق دستور حضرت صالح آب چشمه یک روز در اختیار مردم بود و یک روز در اختیار شتر(احمد) و شتر یا همان احمد همه آب چشمه را می خورد و در عوض آن مردم او را می دوشیدند و وی شیر زیادی داشت به طوری که همه مردم اعم از پیر و جوان و کودک و زن و مرد از آن بهره مند می شدند

۲۱۴- علی بن محمد بن علی بن العباس عن الحسن بن عبد الرحمن عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال :... ثم أوحى الله تبارك وتعالى إليه : يا صالح قل لهم : ان الله قد جعل لهذه الناقة شرب يوم ولكم شرب يوم (۱) فكانت الناقة إذا كان يوم شربها شربت الماء ذلك اليوم فيحلبونها ، فلا

يبقي صغير ولا كبير الا شرب من لبنها يومهم ذلك ، فإذا كان الليل وأصبحوا غدوا إلي مائهم فشرَبوا منه ذلك

اليوم ولم تشرب الناقة ذلك اليوم

ترجمه روضه كافي ص ٤٠٧ ح ٢١٤

...گفتند هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر از این کوه سخت ماده شتری که ده ماهه آبستن است باشد برای ما بیرون آوری... پس به صالح گفتند: اگر تو گمان می کنی پیامبری از خدایت بخواه از این کوه سخت ماده شتری ده ماهه آبستن برای ما بیرون آورد، خداوند آن را با همان صفاتی که خواسته بودند بیرون آورد... سپس خدا وحی فرستاد: ای صالح به ایشان بگو همانا خدا مقرر فرموده یک روز این آب نصیب آن شتر و روزی دیگر نصیب شما باشد و آن روزی که نوبت آشامیدن ماده شتر بود تمام آب را می آشامید و آن را می دوشیدند و در آن همه آنان از کوچک و بزرگ از شیر آن می آشامیدند تا شب فرا می رسید

احمد: من شتر حامله بودم

جالب است که خود احمد هم اعتراف کرده است همان شتر حامله بوده است و در همان کتاب قبلی چنین می گوید:

هو الذي يكون له الحمل=٦٤

بیان حق و سداد از طریق علم اعداد ج ١-٢ ص ٥٥

احمد بصري شتر در بهشت و محشور شدن اتباع احمد با شتر به عنوان امام

احمد در حالی چنین عقیده کفرآمیزی را بیان کرده است که در روایتی از امام صادق (ع) مشخص می شود که چهار حیوان در بهشت می باشند که یکی از آنان شتر حضرت صالح است، و طبق این روایت و سخن احمد، وی در بهشت به سیما و صورت شتر دیده می شود

قَالَ الصَّادِقُ ع لَا يَكُونُ فِي الْجَنَّةِ مِنَ الْبَهَائِمِ سِوَى حِمَارَةٍ بَلْعَمَ بْنِ بَاعُورٍ وَ نَاقَةٍ صَالِحٍ وَ ذُنْبٍ يُوسُفَ وَ كَلْبٍ أَهْلِ

الْكَهْفِ

بحار الانوار علامه مجلسي ج ۸ ص ۱۹۵

در بهشت چهار پايي موجود نميباشد جز اين چهار موجود : حمار بلعم باعور . شتر صالح . گرگ متهم در داستان يوسف. سگ اصحاب كهف .

بنابر اين طبق اين معتقد احمد بصري كه او خود را شتر صالح ميداند

از آنجاي كه روايت هاي فراواني داريم كه هر كس با امام خودش محشور مي شود، پس اتباع احمد بصري بايد بدانند قرار است با يك شتر محشور شوند

احمد بصري مركب حضرت صالح

احمد بصري روز قيامت به صورت مركبي براي حضرت صالح نبي ع خواهد بود و صالح ع سوار بر احمد بصري به محشر وارد ميشود

مطابق رواياتي كه شيخ صدوق از لسان پيامبر (ص) نقل کرده است در محشر چهار نفر سوار بر مركب هستند

پيامبر اکرم (ص) و امير المومنين (ع) و صديقه ي طاهره (س) و صالح نبي (ع) كه حضرت صالح سوار بر ناقه خويش وارد محشر ميشود .

۳۰۶ / ۷ - حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار (رحمه الله) ، قال : حدثنا سعد بن عبد الله ، قال : حدثنا

محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصبم ، عن عبد الله البطل ، عن عمرو بن أبي

المقدام ، عن أبيه ، عن سعيد بن جبير ، عن ابن عباس ، قال : خرج رسول الله (صلي الله عليه وآله) ذات يوم

وهو أخذ بيد علي بن أبي طالب (عليه السلام) ، وهو يقول :...

فَقَالَ قَائِلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَؤُلَاءِ مَعَكَ رُكْبَانٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقَالَ تَكَلِّثُكَ أُمُّكَ إِنَّهُ لَنْ يَزُكَبَ يَوْمَئِذٍ إِلَّا أَرْبَعَةٌ أَنَا وَ
عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ صَالِحُ نَبِيِّ اللَّهِ فَأَمَّا أَنَا فَعَلِيُّ الْبُرَاقِ وَ أَمَّا فَاطِمَةُ ابْنَتِي فَعَلِيٌّ نَاقَتِي الْعُضْبَاءِ وَ أَمَّا صَالِحُ فَعَلِيٌّ
نَاقَةَ اللَّهِ الَّتِي عُقِرَتْ وَ أَمَّا عَلِيٌّ فَعَلِيٌّ نَاقَةَ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ زَمَامُهَا مِنْ يَأْقُوتِ ...

الأمالی للشیخ الصدوق، ص ۲۵۷

ترجمه امالی شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۴۹

ابن عباس نقل کرد که رسول خدا روزی دست علی بن ابی طالب را گرفت بیرون رفت در حالی که می فرمود:
ای گروه انصار ای گروه بنی هاشم ای گروه فرزندان عبدالمطلب من محمد هستم من فرستاده خدا هستم
آگاه باشید که من همراه چهار نفر از خاندانم از گلی رحمت اندود خلق شده ایم من علی حمزه و جعفر، کسی
گفت ای رسول خدا آیا اینان در روز قیامت همراه با تو سوار خواهند بود، فرمود: مادرت به عزایت بنشیند در
آن روز کسی سواره نخواهد بود جزء چهار نفر، من علی، فاطمه و صالح، پس من بر براق سوار هستم و دخترم
فاطمه بر ناقه من و صالح بر آن شتری که پی شد...

وقتی امام اتباع احمد بصری قرار است در قیامت و برزخ سواری بدهند پس تکلیف اتباع وی چه می شود، آیا
آنها هم از امام خودشان تبعیت خواهند کرد و مسئول حمل و نقل بهشتیان هستند یا خیر؟

احمد و شبیه حضرت عیسی (ع)

یکی دیگر از این ادعاها احمد در همین مورد و عقیده به تناسخ این است که وی مدعی شده است: آن شخصی
که به جای حضرت عیسی (ع) به صلیب کشیده شده است خود وی بوده، چنانچه در یکی از کتب این جریان
چنین آمده:

۹. احمد شبیه عیسی که به صلیب کشیده شد و آقایی که دوباره باز می گردد

پس نفر دوازدهمی که آمد یا آن کسی که از آسمان نازل شد همان وصی خاندان محمد است آن کسی که به
صلیب کشیده شد و به قتل رسید بعد از اینکه به صورت عیسی تجسم یافت...

لیکن او در آن زمان به دنیا آمد تا ماموریتی که بر عهده داشت را بر انگیزته و به حق شهادت دهد آن ماموریتی که رابطه اش با زور داوری و نجات و دولت عدل الهی در آخر الزمان است

احمد موعود، علاء سالم، ص ۴۲

وی در کتاب دیگرش چنین ادعا کرده است:

و بعد از نیمه شب که حواریون خوابیدند خدا عیسی ع را بالا برد و شبیه او را فرستاد و او بر صلیب رفت و در حقیقت محافظ عیسی ع فدای او شد و این شبیه از اوصیای آل محمد ع بود. آری او بر صلیب کشیده شد و کشته شد و عذاب سختی را تحمل نمود و همه اینها قضیه امام مهدی ع بود

متشابهات، ج ۴، ص ۱۲۶، احمد بن الحسن

در کتاب دیگر هم چنین ادعا می کند:

عیسی به صلیب کشیده نشد بلکه شبیه ی وجود دارد که به جای او به صلیب کشیده شد... اول: یهودا شبیه عیسی می شود به جای او به صلیب می رود و خود را قربانی میکند.
دوم: یهودا در آخر الزمان می آید تا آقایی کند...

با توجه به اینکه کلمه ی یهودا در عربی به معنای حمد=ستایش یا احمد=ستایش کرد است یعنی این اسم اسم مهدی رهایی بخش یا تسلی دهنده است که در آخر الزمان وعده اش داده شده است و بیان می کند که منظور از یهودا شخص دیگری است که شبیه به عیسی شد و به جای او بر صلیب رفت همان کسی است که عیسی او را اینگونه خطاب قرار داده است که او باز می گردد و در آخر الزمان آقایی می کند او منجی تسلی دهنده و مهدی (احمد) ذکر شده در تورات انجیل و قرآن و وصویت رسول خدا حضرت محمد (ص) می باشد

سیزدهمین حواری، احمد بصری، ص ۶۷

احمد بصری در پاسخ به سوالی در همین مورد به صراحت تصریح میکند که عقیده به تناسخ دارد و معتقد است که روح در اجساد مختلف حلول می کند تا جای که چنین ادعا کرده است:

سوال/۹۶: سید احمد الحسن رسول و وصی ویمانی امام مهدی درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد. در مورد شبیه حضرت عیسی مهدی اول از اوصیاء که به دار آویخته شد در کتاب متشابهات جزء چهارم آمده است از آنچه معلوم است که وجود مهدی اول در آن زمان بصورت نور بوده یا در حقیقت بود، آیا مهدی اول با جسد خود پایین آمده یا بصورت روحی در جسد معینی بود؟ و آیا مهدی اول اکنون در همان جسدی که به دار آویخته شد زندگی میکند؟ و اگر در جسدی دیگر حلول کرد آیا ممکن است که یک روح در چند جسد وارد شود...
جواب... نطفه متعلق به نفس تغییر نمی کند اما ممکن است که در چند صورت در این عالم جسمانی تشکیل شود... ممکن است که انسان قبل از ورود به این عالم جسمانی و ورود به امتحان آن در جسد های حلول کند (یعنی قبل از اینکه تولد شود) و هم چنین پس از انجام امتحان

جواب های روشن، احمد الحسن، ج ۲، ص ۸۵

عقیده به تناسخ از نظر ائمه

احمد در حالی اعتقاد خود را به تناسخ و حلول روح در اجسام مختلف بیان میکند که این اعتقاد نزد مسلمانان یک اعتقادی کفر آمیز می باشد و روایت های بسیاری در کفر این اعتقاد از پیامبر و ائمه در منابع شیعه موجود است که به چندین نمونه از آنان اشاره می کنیم:

۴۶ – باب ما جاء عن الرضا عليه السلام في وجه دلائل الأئمة

عليهم السلام والرد علي الغلاة والمفوضة لعنهم الله

۱ – حدثنا تميم بن عبد الله بن تميم القرشي رضي الله عنه قال : حدثني

أبي قال : حدثنا أحمد بن علي الأنصاري عن الحسن بن الجهم قال :

حضرت مجلس المأمون يوما وعنده علي بن موسى الرضا عليه السلام وقد اجتمع الفقهاء وأهل الكلام من الفرق المختلفة فسأله بعضهم فقال له... فقال المأمون يا أبا الحسن فما تقول في القائلين بالتناسخ ؟ فقال الرضا عليه السلام : من قال بالتناسخ فهو كافر بالله العظيم مكذب بالجنة والنار قال المأمون

عيون اخبار الرضا، ج ٢، ص ٢١٨ ، ترجمه عيون الاخبار الرضا، ج ٢، ص ٤٨٦

حسن بن جهم ميگويد: مامون به امام رضا(ع) عرض كرد يا ابالحسن درباره قائلان به تناسخ چه مي گوييد: حضرت فرمودند: هر كس به تناسخ قائل باشد به خدای بزرگ كفر ورزيده و بهشت و دوزخ را تكذيب کرده است

و در روايتي ديگر امام صراحتا اعتقاد به تناسخ را كفر و كسي كه چنين عقیده اي داشته باشد را كافر و بدتر از غلات و خوارج معرفي ميكند و دستور مي دهد كه با آنان دوستي و رفاقت نكنيد و از آنان بيزاري جوئيد چون خدا از آنان بيزار است

٢ - حدثنا محمد بن موسى المتوكل رضي الله عنه قال : حدثنا علي بن

إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن علي بن معبد عن الحسين بن خالد الصيرفي

قال : قال أبو الحسن الرضا عليه السلام : من قال بالتناسخ فهو كافر ثم قال

عليه السلام لعن الله الغلاة إلا كانوا يهودا إلا كانوا مجوسا إلا كانوا نصاري إلا

كانوا قدرية إلا كانوا مرجئة إلا كانوا حرورية ثم قال عليه السلام : لا

تقاعدهم ولا تصادقوهم وأبرؤوا منهم برئ الله منهم .

حسين بن خالد صيرفي ميگويد: امام رضا(ع) فرمود: هر كس به تناسخ اعتقاد داشته باشد كافر است سپس فرمود: خداوند غاليان را لعنت كند آگاه باشيد كاش يهودي بودند اي كاش مجوسي بودند اي كاش نصراني بودند اي كاش قدري مذهب بودند كاش مرجئه بودند كاش حروري بودند آنگاه فرمود با اينان همنشيني نكنيد رفاقت و دوستي ننمايد و از آنان بيزاري جوئيد خداوند از آنان بيزاري جسته است

پس با توجه به این روایات، احمد بصري از نظر خداوند و ائمه کافر و ملعون است و به دستور امام باید از امثال احمد بصري دوري کرده چرا که خدا از آنان اعلام بيزاري نموده است.

نتیجه گيري پایانی:

احمد بصري مدعي مي شود که حضرت خضر در روایت مي باشد و ایشان از زمان حضرت موسي تا نفخه صور زنده است.

وي در ادامه مدعي مي شود که روحش در کالبد حيوان حلول کرده و اولین تغيير جنسيتي اتفاق مي افتد و ایشان در شکل شتر حضرت صالح حلول میکنند که توسط دشمنان حضرت صالح کشته شده و از دنیا رفته و روح وي در کالبدي ديگر در ساليان بعد و در دوران حضرت عيسي به دنیا برميگردد و به جاي ایشان به صليب کشيده شده و از دنیا مي رود و دوباره روح وي در کالبد ديگر در سال ۱۹۶۸ ميلادي مصادف با ۱۳۴۷ هجري شمسي در بصره به عنوان امام سيزدهم و يماني به دنیا بر ميگردد.

نکته جالب توجه در این است که احمد در مرحله نخست ادعا کرده بود که حضرت خضر است و حضرت خضر هم زنده و حي مي باشد پس احمد در این دنیا همزمان هم حضرت خضر بوده و هم شتر حضرت صالح و هم حضرت خضر بوده و هم شبیه حضرت عيسي و هم حضرت خضر بوده و احمد بصري که حدود ۵۰ سال پيش در بصره به دنیا آمده است، باید گفت علاوه بر کفر بودن این اعتقادات در کلام ائمه، سخيف و مضحک بودن این سخنان بر هر انسان عاقلي واضح و روشن است

به نظر شما کدام انساني که ذره اي از عقل و خرد را دارا باشد چنین سخنان سخيفي را بيان میکند؟

آيا کسي که کفرش از کلام ائمه ثابت است و مورد لعن و بيزاري آنان قرار گرفته است مي تواند امامي از جانب خداوند باشد؟

موفق باشید

واحد مهديت موسسه تحقيقاتي حضرت وليعصر عجل الله تعالی فرجه الشريف